

بازیگری ورود کرده است. در فضای ما وقتی که شما خواننده را به پلتفرم وارد می کنید، باید ببینید که چه کسانی پشت این سیاست هستند؟ باید ببینید آنهایی که دارند این سیاست را اجرا می کنند آیا آدم های موفقی در این عرصه بوده اند یا آدم هایی بوده اند که سالیان سال است که دارند همین طور شکست می خورند و این شکست را ادامه می دهند؟ من خیلی مخالف این اتفاق نیستم، هر کسی در هر فضایی می تواند به این حرفه ورود پیدا کند. خواننده، فوتبالیست و هر کسی، چه بسا که ما نمونه هایی را داشته ایم که خیلی هم موفق هستند. برای مثال فوتبالیست بوده، به این عرصه آمده و الان استار این مملکت است. برای این مثال خواننده بوده و به این عرصه وارد شده و موفق بوده ولی اصولاً نمونه آماری نشان می دهد که هر بازیگری هم که وارد خوانندگی شده خیلی موفق نبوده است. خواننده هم وارد بازیگری شده و اتفاق مثبتی نیفتاده است.

به این پلتفرم ها اتفاق مثبتی برای این پلتفرم ها افتاده و آیا به نظر شما این سریال ها گرفته است؟ بالاخره هر خواننده ای طرفداران خودش را دارد و ما جامعه آماری را در نظر می گیریم. ممکن است که یک خواننده یک یا دو میلیون دنبال کننده داشته باشد اما من سریال «زخم کاری» را مثال می زنم، حتی حالا که چند ماه از کار گذشته من هنوز هم موسیقی آن را گوش می دهم. این مسأله نشان دهنده این است که این کار برای عموم مردم گرفته است. ما از هشتاد میلیون صحبت می کنیم، نه از یک یا دو میلیون دنبال کننده. من احساس می کنم که اتفاق مثبتی نبوده است، یعنی ما شاهد بودیم که یک خواننده ای - برای مثال در دنیا و در هالیوود هم این اتفاق دارد می افتد - به یک اثر اضافه می شود. من لیدی گاگا را مثال می زنم، می آید و اسکار هم می گیرد ولی عقبه آن خواننده را که نگاه می کنید می بینید که در هنر چیزی نیست که او به آن دست نیافته باشد؛ به همه چیز رسیده و حالا به

کسانی که در این کار جایگاه خوبی داشته اند؛ یعنی کارگردان، تهیه کننده و سرمایه گذارهایی که با این فضا آشنایی داشتند، از وارد کردن تمام بازیگرانی که عقبه هنری داشتند یعنی تئاتری بودند و در کار کوتاه موفق بودند به سینما، تلویزیون و پلتفرم ها نتیجه گرفته اند. چندین و چند نمونه اش را داریم که در حال حاضر سوپر استار هستند و وقتی که الان نگاه می کنید می بینید که برای مثال در دهه هشتاد در تلویزیون هم کار کرده اند، تئاترهای بسیاری را کار کرده اند و حالا هم در سینما سوپر استار شده اند و هم اینکه در پلتفرم ها هر کاری که بازی کرده اند نتیجه گرفته اند. جواد عزتی را می توانیم مثال بزنیم که سال های سال تلاش کرده و الان به مرحله ای رسیده که سوپر استار این مملکت است. من سؤال شما را با سؤال جواب می دهم که خدای ناکرده بی احترامی نشود، چون خواننده ها برای من خیلی قابل احترام هستند و دوستان خوب خواننده هم دارم. آیا با ورود خواننده ها

نقش زیادی دارد. چقدر نقش فضای مجازی را در پیشبرد یک بازیگر، چه محبوبیت و چه گرفتن کار مؤثر می دانید؟

قبلاً که فضای مجازی نبود بیشتر رو در رو شدن با بازیگر بود. در این فضا بنگاه های اقتصادی هم خیلی به این دقت نمی کردند که طرف چقدر دنبال کننده دارد. چند سوپر استار داشتیم و مشخص بود و دنبال کننده ها هم به شکل دیگری بودند. حالا فضای مجازی هم به وجود آمده و در ایران اینستاگرام خیلی فعال است، بالاخره سرمایه گذار یا تهیه کننده کار اینستاگرام آن بازیگر را چک می کند که ببیند چقدر فالوور دارد. ما نمی توانیم این را کتمان کنیم و خیلی ها به این قضیه نگاه می کنند. اصولاً تعداد فالوور و مسائلی از این دست، مبنایی برای دیده شدن آن اثر نیست. چه بسا که ما بازیگرانی را داشته ایم که میلیون ها دنبال کننده داشتند اما فیلم هایشان در شرایط حال خوب سینما که چند سال قبل بود یک میلیارد هم نفروخته است ولی یک مجموعه ای بوده که خوب بوده و میلیارد ها میلیارد فروخته است. یعنی ما کاری داشته ایم که شاید جمع بازیگران شان بیست میلیون دنبال کننده داشته اند ولی فیلم صد میلیون هم نفروخته است. به طور کلی این مبنای درستی نیست ولی باید این را قبول کنیم که الان سرمایه گذار به این قضیه هم دقت می کند و جزئی از زندگی ما هم شده است. باید به فضای مجازی هم اهمیت بدهیم و در این هر می که الان وجود دارد باید یک جایی هم برای فضای مجازی قرار بدهیم ولی اصولاً حاشیه در دست کردن برای خود آدم به نظر من اتفاق درستی نیست، ماندگاری ندارد و خیلی زود آن حاشیه به وجود می آید و خیلی زود هم فراموش می شود. تأثیر گذاری آن خیلی کم و لحظه ای است و بعدش بیشتر مشکلات و اتفاقات بد است تا اینکه یک اتفاق خوبی بخواهد برایت رخ بدهد.

شکر ما با «سرجوخه» یک کاری کردیم که این اتفاق افتاد. یعنی بیننده های پلتفرم ها هم سریال را نگاه می کردند و این برای ما اتفاق خیلی خوبی است.

به نظر شما که زیاد کار تلویزیونی کرده اید، در حال حاضر تلویزیون چقدر باید انعطاف به خرج بدهد تا بتواند با وی او دی رقابت کند؟ در واقع در چه موضوعاتی باید انعطاف به خرج بدهد تا بتواند در این رقابت یک مقدار سر بلند کند؟ چه انتقاد و نقد سازنده ای در این زمینه دارید که می توانید بگویید؟

من در تلویزیون کلاس کار بازی کرده ام یعنی در سینما بیشتر کار کرده ام! «دلدادگان»، «خانه امن» و «سرجوخه» را داشتم، مابقی کارهایی بوده که اوایل بازیگری بوده است. هر چه واقعیت جامعه را نشان دهند و هر چه طرز لباس پوشیدن، دیالوگ گفتن، اتفاقات و روزمرگی ها به جامعه نزدیک باشند باعث می شود که مخاطب آن اثر بیشتر باشد. من از «سرجوخه» مثال می زنم که شما وقتی یک کاراکتر، بنگاه های شرط بندی، رابطه ها و اتفاقات را می آوری و لباس پوشیدن ها به نسل جوان نزدیک می شود، همین نسل جوان این کار را نگاه می کند. نسل جوانی که برای مثال در پلتفرم «زخم کاری» را می دیده، حالا کار قابل قبولی در پلتفرم نمی بیند و پای تلویزیون می نشیند و «سرجوخه» را نگاه می کند. هر چه حذف کردن ها و سانسور کردن ها کمتر شود اتفاق مثبت تری برای تلویزیون است. هر چه واقعیت های جامعه بیشتر نشان داده شود، مردم هم با تلویزیون ارتباط بیشتری برقرار می کنند.

در بازیگران نسل های قبلی فضای مجازی برای پرزنت و ویژه سازی کردن بازیگران وجود نداشت اما در حال حاضر به نظر می رسد که این فضا



اصولاً تعداد فالوور و مسائلی از این دست، مبنایی برای دیده شدن آن اثر نیست. چه بسا که ما بازیگرانی را داشته ایم که میلیون ها دنبال کننده داشتند اما فیلم هایشان در شرایط حال خوب سینما که چند سال قبل بود یک میلیارد هم نفروخته است ولی یک مجموعه ای بوده که خوب بوده و میلیارد ها میلیارد فروخته است

